

یادداشت

امنیت، از لوله تفنگ تا لوله خودکار!

سیدبار ساعوی

روزنامه‌نگار

بازدارندگی، اگر به دیپلماسی نرسد، دیر یا زود به دور تازه‌ای از ناامنی منتهی خواهد شد. خاورمیانه بار دیگر در برابر پرسشی ایستاده که دهه‌هاست پاسخی قطعی برای آن پیدا نکرده است. آیا انباشت قدرت نظامی، خودبه‌خود امنیت تولید می‌کند؟ پاسخ تاریخ منطقه، دست‌کم تا امروز، منفی است. هیچ منطقه‌ای در جهان به اندازه خاورمیانه این حجم از بودجه‌های نظامی، سامانه‌های موشکی، ائتلاف‌های امنیتی و رقابت‌های راهبردی را تجربه نکرده، اما هم‌زمان کمتر منطقه‌ای نیز تا این اندازه با چرخه‌های مکرر بحران، جنگ و بی‌ثباتی دست‌وپنجه نرم کرده است. این تناقض، اتفاقی نیست؛ بلکه حاصل یک خطای راهبردی است.

توماس شلینگ، نظریه‌پرداز برجسته بازدارندگی، دهه‌ها پیش جمله‌ای نوشت که هنوز اعتبار خود را حفظ کرده است: «قدرت، توان واداشتن نیست؛ توان اثرگذاری بر انتخاب طرف مقابل است». به بیان دیگر، بازدارندگی زمانی موفق است که طرف مقابل تصمیم بگیرد از اقدام پرهزینه صرف‌نظر کند. اما این تصمیم تنها با مشاهده توان نظامی شکل نمی‌گیرد؛ ادراک، ارتباط، اعتماد حداقلی و امکان خروج از بحران نیز در آن نقش دارند. اگر همه پل‌های سیاسی تخریب شوند، حتی عقلانی‌ترین بازیگران نیز ممکن است در دام سوورداشت گرفتار شوند. نمونه تاریخی جنگ سرد، بیش از هر تجربه دیگری این واقعیت را نشان می‌دهد. آنچه مانع برخورد مستقیم دو ابرقدرت شد، صرفاً هزاران کلاهک هسته‌ای نبود. پس از بحران موشکی کوبا، واشنگتن و مسکو در یافتند که بازدارندگی بدون گفت‌وگو، خود می‌تواند به تهدیدی علیه امنیت تبدیل شود. ایجاد خط تماس مستقیم، مذاکرات کنترل تسلیحات و تعریف قواعد مدیریت بحران، مکمل موازنه قدرت بودند، نه جایگزین آن. به همین دلیل است که بسیاری از پژوهشگران روابط بین‌الملل معتقدند پایان موفق هر بازدارندگی، آغاز یک فرایند سیاسی است. خاورمیانه اما هنوز از همین حلقه مفقوده رنج می‌برد. منطقه فاقد ترتیبات امنیتی فراگیر است؛ نه سازمانی مشابه سازمان امنیت و همکاری اروپا دارد، نه قواعدی پذیرفته‌شده برای مدیریت بحران و نه سازوکارهایی که بتوانند از تبدیل هر تنش به رویارویی مستقیم جلوگیری کنند. نتیجه، همان چیزی است که سال‌هاست مشاهده می‌کنیم؛ امنیت یک بازیگر، اغلب به ناامنی بازیگر دیگر تعبیر می‌شود و هر اقدام دفاعی، سبیلگاهی تازه برای افزایش توان نظامی ایجاد می‌کند. این همان «معمای امنیت» است که نظریه‌پردازان واقع‌گرا بارها درباره آن هشدار داده‌اند.

ایران نیز از این قاعده مستثنا نیست. در محیطی که تهدیدهای امنیتی واقعی و چنلایه وجود دارد، تقویت توان دفاعی ضرورتی انکارناپذیر است. هیچ سیاست خارجی موفق‌تری بر پایه ضعف شکل نمی‌گیرد و هیچ کشوری نمی‌تواند امنیت خود را به حسن نیت دیگران واگذارد کند. اما پرسش اصلی جای دیگری است؛ آیا بازدارندگی باید نقطه پایان سیاست باشد یا نقطه آغاز آن؟

پاسخ به این پرسش، آینده امنیت منطقه را رقم خواهد زد. اگر قدرت صرفاً برای نمایش قدرت به کار گرفته شود، چرخه بحران ادامه خواهد یافت. اما اگر همین قدرت، پشتوانه دیپلماسی، گفت‌وگو و مدیریت اختلافات شود، می‌تواند به ثباتی پایدارتر بینجامد. تفاوت این دو رویکرد، تفاوت میان امنیت و تعلیق موقت بحران است. اشتباه رایج در بسیاری از تحلیل‌های منطقه‌ای آن است که امنیت را صرفاً از دریچه تجهیزات نظامی می‌بینند، حال آنکه در پیوست‌وگویی، قدرت ملی مفهومی بسیار گسترده‌تر یافته است. اقتصاد، فناوری، سرمایه اجتماعی، مشروعیت سیاسی، توان حکمرانی، رسانه و حتی ظرفیت تولید روایت، همگی به بخشی از معادله امنیت تبدیل شده‌اند. کشوری که بتواند اقتصاد خود را تاب‌آور نگه دارد، اعتماد عمومی را تقویت کند و در عرصه دیپلماسی فعال باشد، بازدارندگی مؤثرتری خواهد داشت؛ زیرا ظرف مقابل فقط با توان نظامی او روبه‌رو نیست، بلکه با مجموعه‌ای از ظرفیت‌های ملی مواجه است.

از همین منظر، شاید وقت آن رسیده باشد که مفهوم بازدارندگی نیز بازتعریف شود. بازدارندگی دیگر فقط به معنای جلوگیری از حمله نظامی نیست؛ بلکه توان جلوگیری از شکل‌گیری بحران، مدیریت تنش، کاهش هزینه‌های بین‌المللی و حفظ ثبات داخلی را نیز در بر می‌گیرد. این همان نقطه‌ای است که سیاست خارجی و امنیت ملی به هم می‌رسد. به معنای واقعی کلمه، امنیت از لوله تفنگ آغاز و به لوله خودکار ختم می‌شود.

یادداشت

تعلیق تصمیم، جرئت تصمیم

سعدی علیه‌الرحمه می‌فرماید: بنیاد ظلم در ابتدا اندک بود، هر که آمد اندکی به آن افزود تا به این غایت رسید. مسائل ابتدایی کشورمان نیز ابتدا اندک بود، ولی چون تدبیر نشد، به انبوه عظیمی رسید. مثال ساده آن، مسئله زباله و پسماند و فاضلاب است. در سال ۶۰، پنج طرح تبدیل زباله در دست اجرا بود که بعدها تعطیل شدند و اینک کشور در زباله دست و پا می‌زند. اگر همان تدبیر ادامه می‌یافت، هر سال بر کوه‌های دفن‌شده یا گسترده زباله افزوده نمی‌شد و آیا اینک دچار این مسئله بودیم؟ یا اگر هر سال بر تعداد ساختمان‌های روی گسل زلزله و روی حریق آن افزوده نمی‌شد، آیا اینک این غایت ترس از تخریب و عدم امکان کمک‌رسانی را شاهد بودیم؟ یا اگر سیاست درستی برای نوع خودرو و افزایش آن داشتیم، امروز معضل بنزین و خودرو لاسیک و… را شاهد بودیم؟ یا اگر دخل‌وخرج دولت را کنترل می‌کردیم و به قول رهبر شهید پول‌پاشی نمی‌کردیم، اینک با این تورم و افزایش حجم نقدینگی و دولت بسیار بزرگ پرخرج که یک قلم آن مستمری بازنشستگان است، روبه‌رو می‌شدیم؟
نه‌شاله که جنگ تمام می‌شود و دشمنان نابود می‌شوند، ولی با دشمن موجود و گسترده و خاموش و محیل بی‌تصمیمی و ترس از روبه‌روشدن با واقعیت چه خواهیم کرد؟ این پرسش نیز بی‌پاسخ خواهد ماند.

فضاهای فرهنگی شهر را جذاب و فعال می‌خواهیم

اگرچه در ماه‌های اخیر میدان‌های هر شب صحنه نمایش برخی گروه‌های جامعهمان بودند، ولی سال گذشته برای ایونت‌هایی مانند کنسرت همایون شجریان در میدان آزادی، زمینه بالاخره فراهم نشد. قبلاً نیز در جمع‌های دغدغه‌مندان گفته می‌شد: شهرداری خوب است معاونت فرهنگی و اجتماعی شهرداری را با انتصاب یک زن تغییر دهد تا او بتواند به‌طور نمادین با دیگر گروه‌های متکثر شهر نیز همراهی کند و فعالیت‌های فرهنگی و اجتماعی مناسبی را به پیش ببرد. همچنین صحبت از بازنگری در نظام‌نامه مدیریت محله به نفع فعالان محلی با اولویت زنان و قراردادن سیرای محلات در اختیار مردم و سمن‌ها شد، که قبلاً هم بارها همین‌جا درباره‌اش نوشته‌ام.

آنچه مسلم است تعیین مدیرانی معتدل و همدل با همه مردم شهر ایثال است. اگر در سینماها فیلم‌های جالب و حتی فیلم‌های قدیمی و خاطره‌انگیز تاریخ سینما نشان داده شوند، بسیاری از کسانی که عرصه شهر را بر خود تنگ می‌بینند، تشویق می‌شوند به سینما بروند و با شهر آشنا شوند. احیا و بازسازی سینماها و تئاترهای قدیمی، به‌خصوص در مرکز تهران نیز خاصه در زمانی که خیلی از کافه-رستوران‌ها در مرکز تهران شکل گرفته‌اند نیز می‌تواند حالت مرکز شهر را بسیار جذاب‌تر کند. احیای لاله‌زار می‌تواند به‌عنوان اولویتری در این فهرست بلندبالای شکوفایی مکان‌های فرهنگی شهرمان قرار گیرد.

آیهامز صفحه اول

خورشیدی‌ها؛ گروگان مقررات

وقتی ناهماهنگی‌های دولتی تجدیدپذیرها را خاموش می‌کند

است؟» تأکید کرد: «اگر اختلاف میان دستگاه‌های دولتی وجود دارد، نباید هزینه آن را سرمایه‌گذار پرداخت کند. امروز صنعت نیروگاه‌های خورشیدی بیش از هر زمان دیگری به تصمیم‌های سریع و هماهنگ نیاز دارد». این در حالی است که همواره رئیس‌جمهور بر ضرورت واردات تجهیزات نیروگاه خورشیدی با حذف پروتکل‌ها و قراردادن این موضوع در اولویت امور گمرکی کشور تأکید داشته است اما فعالان صنعت همواره از عدم تخصیص ارز، افزایش چندبرابری هزینه تمام‌شده پروژه‌های نیروگاهی به دلیل تعلل در امور گمرکی، دیرکرد پروژه ناشی از تأخیر در ثبت سفارش‌ها و مصائب کشتیرانی و سیستم حمل‌ونقل شکایت دارند.

استرداد مالیات بر ارزش افزوده؛ گره‌ای دیگر بر سرمایه در گردش نیروگاه‌های خورشیدی
موضوع دیگری که در این نشست مطرح شد، تأخیر طولانی در استرداد مالیات بر ارزش‌افزوده بود. به گفته مسعود رهبر، شرکت‌ها پس از واردات تجهیزات و اجرای پروژه‌ها، ماهه‌ها در انتظار بازگشت مالیات بر ارزش‌افزوده باقی می‌مانند؛ منابعی که می‌تواند سرمایه در گردش پروژه‌های بعدی را تأمین کند، اما عملاً برای نزدیک به یک سال در اختیار دولت باقی می‌ماند. او گفت: «بیش از ۱۰ تا ۱۱ ماه است که برای استرداد مالیات بر ارزش‌افزوده پروژه‌های قبلی بیکسر هستیم؛ در حالی که همین منابع می‌تواند در توسعه نیروگاه‌های جدید مورد استفاده قرار گیرد».

از مصائب واگذاری زمین‌های دردسرساز تا تهدید به خلع بد

این عضو کمیسیون همچنین به مشکلات اجرای پروژه‌ها در استان‌ها اشاره کردند. به گفته وی، فرایند واگذاری زمین با دشواری فراوان انجام می‌شود و در بسیاری از موارد، زمین‌های تخصیص‌یافته پس از بررسی‌های فنی با محدودیت‌هایی مانند فاصله زیاد از شبکه برق یا نبود زیرساخت‌های لازم مواجه هستند. با این حال، سرمایه‌گذار پس از صرف هزینه برای آماده‌سازی زمین، به دلیل تأخیرهایی که منشأ آن خارج از اختیار اوست، با اخترا‌های متعدد و حتی تهدید به خلع بد روبه‌رو می‌شود.

تسهیلات بانکی، غایبان توسعه نیروگاه‌های خورشیدی

در بخش دیگری از صحبت‌های این فعال صنعت، مسئله تأمین مالی پروژه‌های خورشیدی مورد توجه قرار گرفت.

به گفته رهبر، با وجود احداث ۱۰ نیروگاه خورشیدی، تاکنون امکان استفاده از تسهیلات بانکی برای هیچ‌یک از پروژه‌ها فراهم نشده و تمامی سرمایه‌گذاری‌ها با منابع شخصی انجام شده است. به اعتقاد او، اگرچه مشکلات مالی و بانکی همچنان پابرجاست، اما در شرایط فعلی مهم‌ترین دغدغه بخش خصوصی، تسریع در واردات تجهیزات و رفع موانع ترخیص کالاهاست، چراکه هر روز تأخیر در ورود تجهیزات، هزینه پروژه‌ها را افزایش داده و بازگشت سرمایه را با ابهام بیشتری مواجه می‌کند.

تغییر ناگهانی قواعد ارزی و سرمایه‌گذاری که در انتظار بخش‌نامه بعدی است

در بخش دیگری از نشست، یکی از فعالان صنعت نیروگاه‌های خورشیدی نسبت به تغییرات ناگهانی در ضوابط تخصیص ارز انتقاد کرد؛ تغییراتی که به گفته او، بدون اطلاع‌رسانی مؤثر، برنامه‌ریزی شرکت‌های خصوصی را با اختلال جدی مواجه کرده است. به گفته این فعال اقتصادی، تا پیش از این شرکت‌هایی که حداقل ۶۰ درصد تعهدات ارزی حاصل از صادرات خود را ایفا کرده بودند، امکان قرارگرفتن در صف تخصیص ارز را داشتند، اما پس از تغییرات ناگهانی در ضوابط تخصیص ارز، شرکت‌ها با ابهام مواجه شدند. او با اشاره به تجربه شرکت خود گفت: «بیش از یک سال است که چندین پرونده ما در صف تخصیص ارز قرار دارد. حدود ۹۸ درصد تعهدات ارزی شرکت ایفا شده، اما تنها به دلیل باقی‌ماندن دو درصد، همه پرونده‌های ما صف تخصیص ارز خارج شده است».

به گفته او، این تصمیم در حالی اعمال شده که بسیاری از شرکت‌ها براساس ضوابط قبلی برنامه‌ریزی و قراردادهای تجاری خود را تنظیم کرده بودند و اکنون با تغییر ناگهانی مقررات، عملاً امکان ادامه فرایند واردات تجهیزات را از دست داده‌اند. به اعتقاد او، استمرار تغییرات ناگهانی در مقررات ارزی، علاوه بر افزایش ریسک سرمایه‌گذاری، اعتماد بخش خصوصی به نظام تصمیم‌گیری را نیز تضعیف کرده و پیش‌بینی‌پذیری را که یکی از مهم‌ترین الزامات توسعه سرمایه‌گذاری در صنعت انرژی‌های تجدیدپذیر است، با چالش جدی روبه‌رو کرده است.

گره ثبت سفارش نیروگاه‌های خورشیدی تا حدی باز شد، اما بحران تخصیص ارز پابرجاست

سلیمان، رئیس اداره برق و الکترونیک وزارت صمت، در ادامه نشست کمیسیون انرژی اتاق بازرگانی از رفع بخشی از موانع اداری ثبت سفارش تجهیزات نیروگاه‌های خورشیدی خبر داد؛ اقدامی که به گفته او، نتیجه پیگیری‌های مشترک با ساتبنا و کمیته ارزی بوده است. بر این اساس، امکان ویرایش ثبت سفارش‌های دارای شناسه هشت‌رقمی، فعال‌شدن سهمیه «بهینه‌سازی» و انتقال سهمیه‌های مصرف‌نشده سال ۱۴۰۴ به سال ۱۴۰۵ فراهم شده و انتظار می‌رود این تغییرات طی روزهای آینده در سامانه اعمال شود.

به گفته این مقام مسئول، یکی از مهم‌ترین مشکلات فعالان صنعت خورشیدی ناشی از تغییر سال مالی و عدم انتقال سهمیه‌های ارزی سال ۱۴۰۴ به ۱۴۰۵ بود که باعث درشدن درخواست‌های ویرایش ثبت سفارش می‌شود. با مصوبه کمیته انرژی، این مانع برای پرونده‌های در جریان برطرف شده و شرکت‌ها می‌توانند فرایند ثبت سفارش خود را ادامه دهند. با این حال، سلیمان تأکید کرد که رفع موانع سامانه‌ای به معنای حل مشکل تأمین ارز نیست. به گفته او، محدودیت منابع ارزی کشور، به‌ویژه پس از شرایط جنگی، باعث شده سهمیه ارزی وزارت صمت نسبت به سال گذشته به‌شدت کاهش یابد و بانک مرکزی امکان پاسخ‌گویی به همه نیازهای وارداتی را نداشته باشد. او همچنین از ایوانت‌شدن پرونده‌های صنعت خورشیدی در تخصیص ارز خبر داد و گفت تاکنون پرونده‌های دارای شناسه هشت‌رقمی تا سقف ۵۰۰ میلیون دلار در اولویت قرار گرفته‌اند و اکنون پرونده‌های دیگر نیز به تدریج وارد فرایند ویرایش و تخصیص سهمیه خواهند شد. با این وجود، تخصیص ارز بانکی برای واردات پنبل و اینوترتر همچنان

آگهی دعوت به مجمع عمومی عادی بطور فوق العاده ۱۴۰۵/۵/۲۷
شرکت سرمایه گذاری بین المللی مشاوران لار (سهامی خاص)
به شماره ثبت ۲۴۱۳۰۴ و شناسه ملی ۱۰۱۰۲۸۲۰۵۲۲
بدینوسیله از کلیه سهامداران محترم شرکت اصالتاً/ وکالتاً دعوت می شود تا در جلسه مجمع عمومی عادی بطور فوق العاده شرکت که رأس ساعت ۸ صبح روز سه شنبه مورخ ۱۴۰۵/۵/۲۷ در محل قانونی شرکت به آدرس: تهران، شهرک قدس (غرب) ایوانک، کوچه گذر مهر، خیابان بیست و سوم، پلاک ۲ طبقه ۱ با کدپستی ۱۶۶۷۸۱۳۹۸۱ برگزار می شود حضور بهم رسانند.
دستور جلسه:
۱- استماع گزارش هیئت مدیره ۲- رسیدگی و اتخاذ تصمیم پیرامون صورت‌های مالی منتهی ۱۴۰۴/۱/۲۹
۳- انتخاب بازرس قانونی ۴- سایر موارد
هیات مدیره

آگهی دعوت به مجمع عمومی عادی بطور فوق العاده ۱۴۰۵/۵/۲۷
شرکت سرمایه گذاری بین المللی مشاوران لار (سهامی خاص)
به شماره ثبت ۲۴۱۳۰۴ و شناسه ملی ۱۰۱۰۲۸۲۰۵۲۲
بدینوسیله از کلیه سهامداران محترم شرکت اصالتاً/ وکالتاً دعوت می شود تا در جلسه مجمع عمومی عادی بطور فوق العاده شرکت که رأس ساعت ۸ صبح روز سه شنبه مورخ ۱۴۰۵/۵/۲۷ در محل قانونی شرکت به آدرس: تهران، شهرک قدس (غرب) ایوانک، کوچه گذر مهر، خیابان بیست و سوم، پلاک ۲ طبقه ۱ با کدپستی ۱۶۶۷۸۱۳۹۸۱ برگزار می شود حضور بهم رسانند.
دستور جلسه:
انتخاب اعضای هیئت مدیره
هیات مدیره

شرق

خورشیدی‌ها؛ گروگان مقررات

فعال نشده و این بخش، مهم‌ترین گلسوگاه باقی‌مانده در زنجیره توسعه نیروگاه‌های خورشیدی است.

در مجموع، اظهارات نماینده وزارت صمت نشان می‌دهد اگرچه بخشی از مشکلات بوروکراتیک ثبت سفارش در حال رفع‌شدن است، اما چالش اصلی صنعت خورشیدی همچنان کمبود منابع ارزی و ناتوانی بانک مرکزی در تأمین ارز مورد نیاز پروژه‌هاست؛ مسئله‌ای که همچنان سرعت توسعه نیروگاه‌های خورشیدی را با ابهام مواجه کرده است.

آیا گواهی صرفه‌جویی سوخت به کمک تأمین مالی خورشیدی‌ها می‌آید؟

یکی از مهم‌ترین مباحث مطرح‌شده در نشست کمیسیون انرژی، سازوکار «گواهی صرفه‌جویی سوخت» بود؛ ابزاری که در صورت اجرای صحیح می‌تواند مدل اقتصادی سرمایه‌گذاری در نیروگاه‌های خورشیدی را متحول کند.

یاسر میرزایی، معاون رئیس سازمان بهینه‌سازی مصرف سوخت و مدیریت راهبردی انرژی، با اشاره به اینکه هر مگاوات برق خورشیدی عملاً بخشی از تولید نیروگاه‌های حرارتی را جایگزین می‌کند، تأکید کرد این جایگزینی باید در نظام تخصیص سوخت نیز منعکس شود. به بیان دیگر، وقتی برق تجدیدپذیر وارد شبکه می‌شود، مصرف سوخت نیروگاه‌های حرارتی کاهش می‌یابد و این صرفه‌جویی نباید بدون ارزش اقتصادی باقی بماند. به گفته او، پیشنهاد سازمان بهینه‌سازی این است که سهمیه سوخت نیروگاه‌های حرارتی بر مبنای راندمان سال ۱۴۰۳ تثبیت شود. در این صورت، هر میزان کاهش مصرف سوخت ناشی از افزایش راندمان یا جایگزینی برق تجدیدپذیر، به‌عنوان «صرفه‌جویی واقعی» شناسایی شده و برای آن گواهی صادر می‌شود. این گواهی در واقع یک دارایی اقتصادی است که می‌تواند در بازار معامله شود و درآمد حاصل از آن به سرمایه‌گذاران نیروگاه‌های تجدیدپذیر اختصاص یابد.

اهمیت این سازوکار در آن است که بازپرداخت سرمایه‌گذاری نیروگاه‌های خورشیدی دیگر صرفاً به فروش برق وابسته نخواهد بود، بلکه از محل ارزش اقتصادی سوختی که در کشور مصرف نشده نیز انجام می‌شود. این مدل، در بسیاری از کشورها یکی از ابزارهای اصلی تأمین مالی پروژه‌های بهره‌وری انرژی و توسعه انرژی‌های پاک به شمار می‌رود.

با این حال، میرزایی میان دو مفهوم «سوخت صرفه‌جویی‌شده» و «سوخت مصرف‌نشده» تفکیک قائل شد. به گفته او، در شرایط فعلی ناترازی گاز و محدودیت عرضه سوخت، نمی‌توان برای سوختی که اساساً تحویل نیروگاه نشده است گواهی صادر کرد، زیرا چنین اقدامی به ایجاد بازاری بدون پشتوانه واقعی منجر می‌شود. از این رو، گواهی‌تنها باید بر مبنای صرفه‌جویی واقعی و قابل اندازه‌گیری صادر شود. نه بر پایه کمبود عرضه سوخت. در واقع، پیشنهاد سازمان بهینه‌سازی به دنبال ایجاد یک سیگنال اقتصادی است؛ به این معنا که هرچه سهم انرژی‌های تجدیدپذیر در سبد برق کشور افزایش یابد، ارزش سوخت صرفه‌جویی‌شده نیز توسعه‌دهندگان این نیروگاه‌ها منتقل شود. این رویکرد علاوه بر ایجاد انگیزه برای سرمایه‌گذاری، هزینه واقعی مصرف سوخت در نیروگاه‌های حرارتی را نیز شفاف‌تر می‌کند.

خورشیدی‌ها میان دو روایت ارزی: «اولویت ملی» یا «کمبود منابع»؟

در جمع‌بندی نشست، محسن طرطلب، معاون وزیر نیرو و رئیس ساتبا، با اشاره به اینکه توسعه انرژی‌های تجدیدپذیر دیگر یک پروژه صرفاً زیست‌محیطی نیست، بلکه بخشی از راهکار عبور از ناترازی مزمن برق کشور به شمار می‌رود، خواستار بازنگری در فرایند‌های اداری و ارزی این صنعت شد. به گفته او، ساتبا پیشنهاد کرده است ثبت سفارش تجهیزات نیروگاه‌های خورشیدی، با یک ترک تشریفات انجام شود یا وزارت صمت سامانه‌ای مستقل برای پروژه‌های تجدیدپذیر ایجاد کند تا این پروژه‌ها از پیچیدگی‌های معمول ثبت سفارش و تخصیص ارز خارج شوند. طرطلب با اشاره به تناقض موجود میان سیاست‌های اعلامی و واقعیت اجرایی گفت: از یک سو، توسعه تجدیدپذیرها در سطح حاکمیت به‌عنوان یک اولویت راهبردی برای امنیت انرژی کشور مطرح می‌شود و حتی رئیس کل بانک مرکزی وعده داده است که نیاز ارزی این بخش در اولویت تخصیص قرار گیرد و از سوی دیگر، پروژه‌ها در عمل همچنان پشت سد محدودیت‌های ارزی و فرایندهای اداری متوقف می‌شوند.

به اعتقاد رئیس ساتبا، نیاز ارزی سالانه صنعت خورشیدی در حدود ۵۰۰ میلیون دلار برآورد می‌شود؛ رقمی که در مقایسه با بسیاری از بخش‌های وارداتی کشور چندان بزرگ نیست، اما می‌تواند زمینه احداث هزاران مگاوات ظرفیت جدید و کاهش بخشی از ناترازی برق را فراهم کند. از همین رو، او اعلام کرد موضوع تخصیص ارز را علاوه بر پیگیری از مسیر وزارت صمت، در جلسات مستقیم با رئیس کل بانک مرکزی نیز دنبال خواهد کرد تا گره میان ثبت سفارش و تأمین ارز برطرف شود.

اظهارات رئیس ساتبا نشان می‌دهد چالش اصلی توسعه نیروگاه‌های خورشیدی دیگر صرفاً کمبود سرمایه‌گذار یا فناوری نیست؛ بلکه ناهماهنگی میان سیاست‌گذاری، نظام ارزی و فرایند‌های اجرایی است. تا زمانی که تجدیدپذیرها در عمل همان جایگاه «اولویت ملی» را که در اسناد و اظهارات رسمی برای آن تعریف شده، در نظام تخصیص ارز و ثبت سفارش پیدا نکنند، دستیابی به اهداف توسعه این بخش همچنان با تأخیر و عدم قطعیت همراه خواهد بود.

پرسش دوم نیز به نحوه مدیریت این منابع بازمی‌گردد؛ اگر چنین ارزی‌هایی در اختیار ساتبا قرار گرفته است، این منابع دقیقاً در چه فرایندی و با چه دستاوردی هزینه شده‌اند؟ و اگر این منابع به‌صورت مستقیم در اختیار ساتبا قرار نمی‌گرفت، آیا امکان آن وجود داشت که میان چندین شرکت خصوصی فعال در احداث نیروگاه‌های خورشیدی توزیع شود و به تسریع اجرای پروژه‌ها و افزایش ظرفیت تولید برق تجدیدپذیر بینجامد؟

برگ سبز خودروی سواری سیستم‌ام‌وی‌ام‌تیپX33S
مدل ۱۳۹۷ به رنگ نوک مدادی متالیک به شماره پلاک ۳۳ ق ۸۹۹ ایران ۹۴ شماره موتور MVM484FBDJ02063
شماره شاسی NATGBAYL2J102251 به نام آقای
امیر بنی اسد
مفقود گردیده و از درجه اعتبار ساقط می باشد.

سندکار خانه، برگ سبز و کارت شناسایی خودروی سواری سیستم پیکان تیپ۱۶۰۰ مدل ۱۳۸۰ به رنگ سفید-روغنی به شماره پلاک ۵۲ ۸۹۵۲ ایران ۱۶ شماره موتور۸۳۵۵۹۱۱۲۲۸
شماره شاسی ۸۰۴۹۸۴۱۷ به نام آقای امیر حسین سلیمی پور
مفقود گردیده اند و از درجه اعتبار ساقط می باشند.

آیهامز صفحه اول